



توصیه‌گرایی اخلاقی؛ توصیه و هدایت و ارائه دستورالعمل رفتاری

اساس نظریه توصیه‌گرایی اخلاقی کارکرد اساسی و اصلی گفتارها و احکام اخلاقی، عبارت است از توصیه و هدایت مخاطب و ارائه دستورالعمل رفتاری به او. مکاتب فلسفه اخلاق در غرب را به انحای گوناگونی دسته بندی می‌کنند. می‌توان چهار مکتب عمده در میان مکاتب فلسفه اخلاق غرب را برشمرد که عبارتند از: طبیعت‌گرایی، شهودگرایی، احساس‌گرایی و توصیه‌گرایی.

سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

توصیه‌گرایی اخلاقی؛ توصیه و هدایت و ارائه دستورالعمل رفتاری

خبرگزاری مهر- بر اساس نظریه توصیه‌گرایی اخلاقی کارکرد اساسی و اصلی گفتارها و احکام اخلاقی، عبارت است از توصیه و هدایت مخاطب و ارائه دستورالعمل رفتاری به او. مکاتب فلسفه اخلاق در غرب را به انحای گوناگونی دسته بندی می‌کنند. می‌توان چهار مکتب عمده در میان مکاتب فلسفه اخلاق غرب را برشمرد که عبارتند از: طبیعت‌گرایی، شهودگرایی، احساس‌گرایی و توصیه‌گرایی.

توصیه‌گرایی (Prescriptivism)، یکی از مهم‌ترین نظریات در مباحث فرااخلاق و فلسفه اخلاق است که در چند دهه اخیر مورد توجه فیلسوفان غربی قرار گرفته و مباحثات فراوانی در تأیید و نیز رد آن صورت گرفته است.

به دنبال نظریاتی همچون شهودگرایی، امرگرایی و احساس‌گرایی، توصیه‌گرایی در فرا اخلاق مطرح شد. توصیه‌گرایی را می‌توان اصلاحیه‌ای برای نظریه احساس‌گرایی تلقی کرد. صاحب نظر اصلی و مبتکر این دیدگاه، فیلسوف اخلاق معاصر، ریچارد مروین هیر است. وی نخستین بار نظریه خود را در کتاب زبان اخلاق در سال 1952 ارائه داد. هر چند یازده سال بعد، در سال 1963، در کتاب آزادی و عقل با افزودن قیودی به نظریه خود آن را کامل تر کرد.

لوییس پویم در توصیف توصیه‌گرایی هیر می‌نویسد: دو ویژگی اصلی نظریه اخلاقی هیر عبارتند از: توصیه‌گرایی و تعمیم‌پذیری. وی در دیدگاه خود استدلال مغالطه طبیعت‌گرایانه را، که از سوی مور بر علیه طبیعت‌گرایان مطرح شده بود، می‌پذیرد و دیدگاه طبیعت‌گرایانه را غیر موجه تلقی می‌کند و به تبع احساس‌گرایان، بین حقایق و ارزش‌ها تمایز قایل می‌شود.

از سوی دیگر، همانند احساس‌گرایان معتقد است که ما نمی‌توانیم صدق و یا کذب را به گزاره‌های اخلاقی نسبت دهیم و دیگر این که، احکام اخلاقی ناظر به نگرش‌ها هستند، نه باورها.

اما هیر، بر خلاف احساس‌گرایان، تأکید بر احساسات در باب تأیید و عدم تأیید (پسند و ناپسند) را به تأکید بر نوعی خاص از حکم می‌برد که از یک سو، عنصری توصیه‌ای در آن قرار دارد و از سوی دیگر، ویژگی تعمیم‌پذیری؛ یعنی وقتی به کسی می‌گویند نباید از صاحب خانه خود دزدی کنید: اولاً، در آن عنصری توصیه‌ای وجود دارد که به شما ترک دزدی از صاحب خانه را توصیه می‌کند. ثانیاً، عنصری به نام تعمیم‌پذیری دارد که اقتضای آن این است که در شرایطی مشابه هیچ کس نباید دزدی کند و به واسطه این ویژگی است که حکمی کلی صادر می‌شود که همه باید از آن پیروی و تبعیت کنند.

در این دیدگاه، زبان اخلاقی به این معناست که اگر حکمی اخلاقی صادر کردیم، نباید صرفاً توصیه‌ای به دیگران باشد بلکه شرط لازم و کافی برای توجیه آن حکم این است که آدمی خودش را متعهد به انجام و رعایت آن اصل گرداند.

هیر در تعریف توصیه‌گرایی می‌گوید: «توصیه‌گرایی نظریه‌ای فرا اخلاقی در باب معنای گزاره‌های اخلاقی است که می‌گوید: «علاوه بر معنای توصیفی یا واقعی، که گزاره‌های اخلاقی ممکن است داشته باشند، عنصری توصیه‌ای در معنای آن گزاره‌ها وجود دارد که به هیچ معنای توصیفی و واقعی هم ارزش و هم معنا تحویل‌پذیر نیست بلکه این عنصر درصدد توصیه اعمالی خاص یا هدایت اعمال خاص می‌باشد.«

در این تعریف، هیر کاملاً در مقابل طبیعت‌گرایان قرار می‌گیرد. زیرا طبیعت‌گرایان معنای توصیه‌ای گزاره‌ها و احکام اخلاقی را به معنای توصیفی آن‌ها تحویل می‌بردند و مثلاً می‌گویند: «خوب یعنی آنچه که لذت‌آور است.« و معتقد بودند که ما می‌توانیم از مقدمات توصیفی حکمی ارزشی و نتیجه‌ای اخلاقی استنباط کنیم.

به نظر هیر این دیدگاه طبیعت‌گرایانه نیروی توصیه‌گرایانه و هدایت‌گرایانه گزاره‌های اخلاقی را از بین می‌برد و یکی از مهم‌ترین منافع که وی برای دیدگاه و نظریه‌اش ادعا می‌کند این است که این نظریه نشان می‌دهد که چگونه یک حکم اخلاقی ضرورتاً با انتخاب و انجام فعل و صفت موجود در آن گزاره گره خورده است.

بر این اساس و با توجه به آرای هیر کارکرد اساسی و اصلی گفتارها و احکام اخلاقی، عبارت است از توصیه و هدایت مخاطب و ارائه دستورالعمل رفتاری به او.

افزون بر هرگونه معنای واقعی و توصیفی ای که ممکن است گزاره های اخلاقی داشته باشند، عنصری توصیه ای در معنای آنها وجود دارد که غیرقابل تحویل به هرگونه معنای توصیفی است.